

پیام ولی امر مسلمین به کنگره بزرگداشت حکیم ملاهادی سبزواری - 2 / اردیبهشت / 1372

کنگره بزرگداشت دویستمین سالگرد تولد حکیم ملاهادی سبزواری صبح امروز با پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی شروع بکار کرد. مشروح پیام مقام معظم رهبری که صبح امروز توسط حجه الاسلام و المسلمین محمدی گلپایگانی در محل این کنگره در دانشگاه تربیت معلم سبزواری قرائت شده است به این شرح می‌باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بزرگ را سپاس که دل‌های بیدار و قدرشناس شما مردان علم را به تجلیل از شخصیت حکیمی بلندمرتبه برانگیخت که دنیای پا در گل و گرفتار امروز، به شناخت انسانهایی چون او - آزاده و سر در بلندی ملکوت - بسی نیازمند است.

مدح چنان خورشید سیرتانی، جز از صاحبان چشم‌های روشن و بصیرت‌های نافذ نمی‌شاید، که توانسته باشند حجاب پرزرق و برق علم بی‌عمل، و فلسفه بی‌روح، و ماده بی‌معنا را دیده و ترکیب بدیع اندیشه‌ی بلند، و روان‌روشن، و دل‌خاشع، و ذوق لبریز، و تن خاکسار را در کسانی چون حکیم فرزانه‌ی قرن سیزدهم، یعنی حاجی ملاهادی سبزواری تماشا کنند.

این جمع فرهیخته بر آن است که حکیم سبزواری را بازشناسی کند. هر که برگ‌ی چند از سرگذشت آن بزرگ را خوانده باشد نیک می‌داند که در زمره‌ی کسانی چون او - عرش سیرو خاک نشین - کمتر کسانی چون او در دوران زندگی، شناخته شده‌اند. او را در زندگی‌اش خلق بیشماري شناخته و بدو دل سپرده و پرواز شکوهمندش را از منفذ تنگ چشم مادی دیده‌اند. چندین کتاب او پیش از درگذشتش به چاپ رسیده و در حوزه‌های حکمت و دین، دستگیر استادان و دانشجویان شده و نام درخشان او را به دور دست‌ها برده است. و از زمان او تا امروز هزاران صفحه درباره‌ی او و فلسفه‌اش و کتابهایش، قلم زده شده است.

بازشناسی نام‌آوری چون این بلند آوازه‌مرد، چگونه و به چه معنی است؟ در این باب سه دیدگاه با هم و در کنار هم، سزاوار ژرف‌نگری است:

نخست، نگاهی تازه به حکمت اوست که آمیزه‌ی از تفکر قدیم عقلانی با رشحه‌ی الهام عرفانی است. در محشر اندیشه‌های فلسفی روز که غالباً از نور معنی و پرتو توحید، بیگانه و بیخبر است، جای این فلسفه‌ی قرآنی و پایه‌های استقرار و خلل‌ناپذیرش، خالی است. زبانی آشنا با فرهنگ و معارف کنونی جهان، و دستی چیره در ترسیم زیبایی‌های حکمت متعالیه، و در پشت آن، ذهنی ژرف بین و نواندیش و جامع‌نگر به کار است تا فلسفه‌ی این حکیم بزرگ را در نمایشگاه فاخرترین فرآورده‌های بشری، در جای سزاوار خود بنشاند.

دوم، نظری از سر عبرت به تأثیر این معرفت فلسفی، در بنای شخصیت خود فیلسوف است. اگر فلسفه، شناختی درست از هستی، برای بنای انسان راستین است، کدام تجربه از این بهتر و گویاتر؟

و سوم زدودن این گمان غلط که فلسفه‌ی اسلامی از قرن‌های میانه‌ی هجری به خاموشی و افول تکرار گرائیده است. این غفلت خسارت‌بار، که قرن‌ها گریبانگیر مطالعه‌کنندگان غربی و حتی عربی بوده است، می‌تواند با جلب نظرها به حکیم سبزواری که خود یک از شارحان و مفسران حکمت مقایسه‌ی صدرائی و شاگرد فلاسفه‌ی بزرگ اصفهان است، دریده شود و شعاع هدایتگر هشت قرن فلسفه‌ی اسلامی - از خواجه‌ی طوسی تا حاجی سبزواری و معاصران و شاگردان او - بر فضای اندیشه‌ی فلسفی در جهان معاصر بتابد.

بازشناسی حکیم سبزواری در این زمینه‌ها، متضمن ادای حق این بزرگ‌مرد فیلسوف و عارف و زاهد و شاعری است که بزرگداشت او، شما صاحب‌دلان را به کنار تربت پاک او کشانیده است. والسلام علیکم ورحمة الله.

سیدعلی خامنه‌ای

اول اردیبهشت ماه سال 1372 برابر با بیست و نهم شوال 1314